

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و پنجم

پائیز ۱۴۰۲

جستاری در مضامین رؤیاهای رسول اکرم ﷺ و جایگاه آن در تصمیم‌گیری‌های آن حضرت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۵ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۷/۲۲

۱ سیده لیلا تقوی سنگدهی

۲ سمیه آقامحمدی

۳ علیرضا اشتری تفرشی

خواب حالتی است توأم با آسایش و آرامش که بر اثر از کار بازماندن حواس ظاهر در انسان و حیوان پدید می‌آید. رؤیا آن چیزی است که در خواب دیده می‌شود؛ بخشی از رؤیاها صادقانه هستند. این پژوهش با روش وصفی - تحلیلی مضامین رؤیاهای صادقانه حضرت رسول ﷺ و تأثیرشان در تصمیم‌گیری‌های ایشان را مورد بررسی قرار داده است. این بررسی حکایت‌گر آن است که خواب و رؤیا در فرهنگ اعراب قبل و بعد از ظهور اسلام همچون دیگر ملل مجاور آن‌ها دارای اهمیت بسیاری بوده است. مقاله با تأکید بر این که وحی و معراج در حالت خواب و رؤیای صادقانه محقق نشده، بلکه هر دو در عالم بیداری بوده، نشان می‌دهد که مضمون رؤیاهای پیامبر عموماً درباره سرنوشت اشخاص یا جنگ‌ها و حوادث و به نوعی پیش‌بینی رویدادهای آینده

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان (sangdehi@znu.ac.ir).

۲. دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (somaye.ghammohammadi@mail.um.ac.ir).

۳. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران، (ashtari.tafreshi@atu.ac.ir).

بوده است. آن حضرت گاه از رؤیای صادقانه برای اعتباربخشی به سخنان خود استفاده می‌کرد اما اغلب، رؤیا را معیار حجیت برای یاران خود نمی‌شمرد و آنان را وادار به انجام کاری بر پایه رؤیا نمی‌نمود.

کلیدواژگان: پیامبر اعظم ﷺ، عصر نبوی، رؤیا و تاریخ، صحابه پیامبر، معراج.

مقدمه

در فرهنگ فارسی معین آمده است: «خواب حالتی است توأم با آسایش و آرامش که بر اثر از کار بازماندن حواس ظاهر، در انسان و حیوان پدید می‌آید. عربی آن نوم و در مقابل بیداری یا یقظه است».^۱ نوم اغلب معادل لفظ خواب در فارسی گرفته می‌شود. واژه نوم معانی متعددی دارد که وجه مشترک همه معانی مجازی ضبط شده برای واژه نوم، آرامش، رکود و سکون و بی‌حرکتی است و این معانی با معنای حقیقی نوم، یعنی خواب، کمال تناسب را دارد. فلسفه خلقت از دیدگاه قرآن هم، همین معانی آرامش و استراحت است.^۲

خواب و رؤیا بیشتر به یک معنا به کار رفته‌اند، اما باید به تفاوت میان این دو توجه داشت. خواب پدیده‌ای است که رؤیا درون آن قرار دارد. رؤیا بخش قابل گزارش خواب است. ابن عربی (م ۳۸۸ق) بر این باور است که «آن چه در بیداری دیده شود، رؤیت و آن چه در خواب ببینند، رؤیاست». واژه رؤیا لفظی است عربی که از دیرباز در زبان فارسی متداول شده است. در کتب عربی این واژه ذیل ماده رای بررسی شده است. زمخشری (م ۵۳۸ق) در تفسیر الکشاف رؤیا را به معنای رؤیت دانسته، جز این که رؤیا مختص به دیدن در خواب و رؤیت مخصوص دیدن در بیداری است.^۳

۱. دهخدا، فرهنگ معین، ذیل خواب.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ذیل «نوم»، ج ۲، ص ۹۲.

۳. رؤیا: به ضم راء و قصر الف، غیر قابل صرف، به معنای آن چه انسان در خواب می‌بیند (سمرقندی، مطلع سعدین، ج ۲، ص ۱۲۲). در لسان العرب نیز رؤیا به همین معنا، یعنی آن چه در خواب دیده شود، تفسیر شده است و افزوده است که گاهی هم در بیداری دیده می‌شود (قرشی بنابی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۷؛ زمخشری، الکشاف، ج ۲، ص ۲۴۴).

در قاموس قرآن رؤیا از مصادیق رای ذکر شده است؛ زیرا چیزی است که در خواب رؤیت می‌شود.^۱ در قرآن کریم موارد فراوانی از ماده رای و دیگر واژه‌های همگون همانند رؤیا استعمال شده است که معانی آن‌ها به رسیدن و وصول به واقعیت‌های مختلف و به خصوص حقایق معنوی و غیر مادی بازمی‌گردد.^۲

رؤیا و تعبیر آن، دو حوزه مجزا از یکدیگر و در عین حال از هم ناگسستنی به شمار می‌روند. از یک طرف، می‌توان با بررسی مضامین رؤیاهای افراد، به حیطة کنش خواب و از طرفی با بررسی سبک و سیاق تعبیر رؤیاهای، به چستی کنش خواب‌گزاران ورود کرد. در فرهنگ و حافظه تاریخی مشرق زمین، پیامبران الهی همچون دانیال و یوسف اولین کسانی بودند که به دانستن تعبیر خواب شهره بودند.

گاهی اوقات رؤیای فرد در زمره رؤیای صادقانه به شمار می‌آید. خداوند در قرآن به هفت مورد از رؤیاهای صادقانه اشاره کرده است. بررسی این آیات بیان‌گر این نکته است که قسمتی از رؤیاهای ممکن است منبعی برای درک پاره‌ای از حقایق گردد؛ و یا به تعبیر دیگر امکان دارد کشف و شهود در رؤیا تحقق یابد و نه در بیداری؛ چنان که خواب‌بیننده مژده‌ای را که از سوی خدا هنگام خواب به وی القا می‌شود، درمی‌یابد. طبق تفسیر مفسران کلام الهی، رؤیای صادقانه عبارت است از حقایق شناخته‌شده و از اسباب وحی الهی که خداوند به واسطه آن، پیامبرانش را راهنمایی کرده است.^۳ رسول اکرم ﷺ می‌فرماید خواب (رؤیا)، جزوی از چهل و شش جزو از پیغامبری است.^۴ به عبارت دیگر،

۱. قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۷.

۲. برای نمونه: سوره یوسف، آیه ۵ و ۴۳ و ۱۰۰؛ سوره اسراء، آیه ۶۰؛ سوره صافات، آیه ۱۰۵؛

سوره حشر، آیه ۲؛ سوره آل عمران، آیه ۱۳.

۳. طبری، جامع البیان، ج ۲، ص ۶۲۰؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۴.

۴. ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ج ۱۰، ص ۱۷۰.

رؤیای صادقانه شهودی است که در حالت خواب صورت می‌گیرد که مربوط به آینده بوده، پرده از روی اسراری برمی‌دارد که به حقیقت می‌پیوندند. این گونه رؤیاها علاماتی دارند مانند این که بیننده رؤیا سریع بیدار می‌شود. علامت دیگر، پایدار ماندن و دوام آن ادراک است؛ چرا که رؤیای مزبور با تمام جزئیات آن در حافظه وی نقش می‌بندد و هیچ‌گونه سهو و فراموشی بدان راه نمی‌یابد.^۱

نمونه‌های بسیاری از این کشف و شهود (الهام و وحی) را می‌توان در رؤیاهای صادقانه حضرت رسول ﷺ مشاهده کرد. از آن جا که بررسی این رؤیاها می‌تواند شناخت بهتری از ماهیت رؤیاهای صادقانه ارائه دهد و تأثیر این رؤیاها را در حوادث تاریخی نشان دهد، نگارندگان تلاش نمودند با بررسی رؤیاهای یادشده، به این پرسش پاسخ دهد که انعکاس رؤیاهای پیامبر ﷺ در منابع اسلامی چگونه بوده است؟

پیشینه تحقیق

درباره ماهیت خواب و رؤیا مباحث متعددی در میان متفکران مطرح شده و این موضوع از منظر حدیثی، ادبی، تربیتی، عرفانی، فلسفی، تاریخی و... مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بسیاری از محدثان اهل تسنن و تشیع، فصل‌هایی از کتب خود را به موضوع خواب اختصاص داده‌اند اما کمتر به رؤیا پرداخته‌اند. همین رویکرد و نگرش محدثان راجع به این موضوع، در کتب تاریخی و سیره عصر نبوی قابل ردیابی می‌باشد. نمونه بارز این نویسندگان ابن سعد (م ۲۳۰ق) است که در کتاب *الطبقات الکبری* بخشی را به خواب و رؤیا اختصاص داده است. همچنین محمد بن عبدالرحمان حکیم لخمی (م ۷۵۰ق) در کتاب *بشارة القلوب بما تخبر به الرؤیا من الغیوب فی تعبیر الرؤیا* با بهره‌گیری از آیات و روایات، از کیفیت خواب و رؤیا و صحت آن سخن می‌گوید. مطالعات معاصر و مآخذ نیز

۱. ابن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، ص ۲۰۴؛ *تحفة الفتی فی تفسیر سورة هل اتی*، ج ۱، ص ۱۰۲.

بیشتر توجه خود را به نحوه خواب و بیداری اختصاص داده‌اند؛ به عنوان نمونه محمد ری شهری در کتاب *سیره پیامبر خاتم فصلی کوتاه با عنوان «خوابیدن و بیدار شدن»* و یوسف النبهانی در کتاب *وسائل الوصول الی شمائل الرسول* نیز تنها در دو صفحه و دکتر پاک‌نژاد در کتاب *اولین دانشگاه و آخرین پیامبر فصل هفده کتاب خود با عنوان «خواب در اسلام»* را به مبحث خواب و نه رؤیا اختصاص داده‌اند. عبدالله نصری در کتاب *تقدی بر رؤیاهای رسولانه*، استدلال‌های عبدالکریم سروش را مورد نقد قرار داده است. محمدرضا رضوان در کتاب *رؤیا از نظر دین و روانشناسی* به بررسی خواب و رؤیا از منظر روانشناسی و آموزه‌های قرآنی پرداخته است. علی منتظری در کتاب *خواب و رؤیا: بررسی و تحلیل از دیدگاه قرآن و حدیث* مطالبی در باب تعبیر رؤیا و آداب مستحب قبل و بعد از خواب پرداخته است. همچنین آقای حسن امین در کتاب *دایرة المعارف خواب و رؤیا* رؤیا را از چشم‌انداز دانش‌های مختلف مانند فلسفه، عرفان، و تاریخ بررسی کرده است. احمد محمدزاده نیز با رویکردی قرآنی و روان‌شناختی کتاب *خواب و رؤیا در قرآن و روانشناسی* را به نگارش درآورد.

محمود عبادیان نیز در مقاله «درآمدی بر پیشینه روایت و نقش رؤیا در تکوین روایت» به مبحث ارتباط رؤیا و روایت پرداخته است. غلامرضا افراسیابی در مقاله «منابع و قواعد تعبیر رؤیا در متون حکمی و عرفانی» به بررسی و بیان منابع و قواعدی پرداخت که اهل عرفان و حکمت و معبران، در تأویل و تعبیر رؤیا از آن استفاده می‌کردند.

۱. رؤیاهای پیامبر قبل از بعثت

۱-۱. رؤیای حضرت رسول ﷺ در جوانی

رسول خدا وقتی به سن بیست سالگی رسید روزی به ابوطالب (م ۱۰ق) گفت: «ای عمو مردی را در خواب می‌بینم که همراه دو مرد نزد من می‌آید و آن دو مرد می‌گویند: خود اوست، پس هر گاه (به رسالت) برسد مواظب او باش. و آن مرد سخن نمی‌گوید». زمانی

که ابوطالب گفتار او را شنید به رسول خدا نگریست و گفت: «پدرم عبدالمطلب سفارش تو را به من کرده و مرا خبر داده است که خداوند تو را به رسالت مبعوث خواهد کرد. خوابی که دیدی رؤیای صادق بوده است»^۱.

منابع تنها به همین یک خواب پیامبر در دوره قبل از بعثت اشاره دارند که البته درباره سخنان ابوطالب در تأیید این خواب شک و تردید وجود دارد؛ چرا که منابع تاریخی در جای دیگری به بحث آگاهی عبدالمطلب پدر بزرگ پیامبر از آینده او اشاره‌ای ندارند و اساساً چنین پیش‌گویی به نظر بعید می‌رسد و در عین حال اگر ابوطالب از پیامبری برادرزاده‌اش آگاهی داشت طبیعتاً باید اولین ایمان‌آورنده به حضرت رسول محسوب می‌شد، که چنین نیست؛ اگر چه پس از چندی به ایشان ایمان آورد.

۲. رؤیاهای دوره نبوی

۱-۲. رؤیاهای دوره مکی

۱-۱-۲. آغاز وحی در خواب و به صورت رؤیای صادقانه یا در بیداری

درباره آغاز وحی، اهل سنت عموماً آن را در خواب و به شکل رؤیای صادقانه می‌دانند اما شیعه امامیه معتقد است وحی در بیداری صورت گرفته است. در ادامه به واکاوی دیدگاه دو گروه پرداخته می‌شود.^۲

بر طبق برخی از منابع اهل سنت، آغاز وحی از طریق رؤیای صادقانه و در خواب بوده است. این افراد روایات خود را به همسر پیامبر و راویان زبیری که خویشاوندان نزدیک عایشه هستند استناد نموده و روایت کرده‌اند:

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۸۱؛ بیهقی، دلائل النبوة، ص ۲۵۴؛ ابن اثیر، الکامل فی

التاریخ، ج ۷، ص ۴۷.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید هنگامی که من خوابیده بودم دیدم جبرئیل پارچه‌ای از دیبا که در آن کتابی (و یا نامه‌ای) بود به نزد من آورده، گفت: بخوان! گفتم: چه بخوانم؟ جبرئیل مرا گرفت و سه بار چنان فشاری داد که ترسیدم جانم را از دست دهم. پس من آیات را خواندم. من از خواب برخاستم. دیدم در قلبم کتابی نقش بسته است.^۱

بر طبق اکثر منابع شیعه، اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شد آیات اول سوره علق بود.^۲ هر دو مکتب تلاش‌های عمده‌ای در اثبات دیدگاه خود دارند. خدای متعال در آیه ۵۱ سوره شوری (وَمَا كَانَ لَبِشْرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بِلَاذِنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ) از سه راه گفت‌وگو با بشر سخن به میان آورده است: نخست، وحی مستقیم است به این معنا که مطلبی به شکل سری و رمزی به مخاطب انتقال داده شود. این مستقیم‌ترین راه بین خدا و دریافت‌کننده وحی است که وحی، سرپوشیده از همه موجودات حتی جبرئیل منتقل می‌شود. در نوع دوم، خداوند سخن را از ورای حجاب منتقل می‌کند؛ مثلاً کلام از درخت بیرون می‌آید در صورتی که کاملاً مشخص است که این صوت از درخت نیست و درخت فقط منطقه کانونی است. در نوع سوم ارتباط، خداوند رسول و واسطه‌ای را می‌فرستد و این واسطه به شکل سربسته و پنهانی با فردی که خداوند می‌خواهد ارتباط برقرار می‌کند. در آیه دیگری خداوند می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ...»؛ از سمت خودم روحی را به شما وحی کردم. روح در این جا یعنی دمیدن یا چیزی که عامل حرکت و حیات‌بخش است. بر اساس این آیات و سایر آیات ذکرشده در قرآن، نمی‌توان منکر

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، ص ۲۳۷؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲. طوسی، تفسیر التبیان، ج ۱۰، ص ۳۷۸.

بیداری و هوشیاری حضرت در زمان ابلاغ وحی گردید؛^۱ زیرا پیغمبران هنگام دریافت وحی کاملاً هوشیار بودند. به طور مثال حضرت لوط عليه السلام فرشتگان را در قالب چند جوان به چشم ظاهر مشاهده کرد که به عنوان مهمان به منزلش آمدند؛ حتی مردم عادی نیز آن‌ها را دیدند و به همین خاطر به منزلش حمله کردند.^۲ یا حضرت مریم عليها السلام پیام خداوند را که بر او وحی شد دریافت کرد و با این که پیغمبر هم نبود، فرشته وحی چون یک انسان بر او ظاهر شد و با وی گفت‌وگو کرد.^۳ در جای دیگری فرشتگان بر حضرت ابراهیم وارد شدند و به او بشارت فرزند دادند.^۴ در تمام این نمونه‌ها، دریافت‌کننده، بیدار و هوشیار بوده است. بر این اساس، ادعای خواب بودن حضرت در زمان دریافت اولین وحی، شاهی در قرآن ندارد.

۲-۱-۲. معراج در خواب یا بیداری

معراج پیامبر صلى الله عليه وآله، مانند نبوت، یکی از مباحث بحث‌برانگیز در میان مورخان، محدثان و سایر اندیشمندان بوده است. درباره معراج پیامبر دو دسته نظر وجود دارد؛ دسته اول عروج حضرت را در خواب و روحانی می‌داند و و عده‌ای دیگر معتقدند عروج به معراج روحانی و جسمانی بوده است. اصلی‌ترین سند موجود برای این موضوع قرآن است که در بسیاری از آیات اشاره‌ای به معراج دارد؛ به عبارت دیگر، معراج پیامبران امری بی‌سابقه نیست.^۵ پیامبرانی مانند ادريس، ابراهيم، عيسى، يونس، موسی هم عروج آسمانی داشته‌اند. لذا معراج پیامبر هم مانند پیامبران دیگر بوده، اگر چه در هر صورت، معراج در هر برهه

۱. ابن هشام، السيرة النبوية، ص ۲۸؛ تیموریان، محمد رسول الله صلى الله عليه وآله، ص ۳۸.

۲. سوره هود، آیه ۷۷-۸۰.

۳. سوره مریم، آیه ۱۷.

۴. سوره ذاریات، آیه ۲۴-۳۰.

۵. طبری، جامع البیان، ج ۲، ص ۶۲۰.

زمانی برای مردم آن دوره امری عجیب و غریب بوده است. طبق بیانات قرآن، معراج رسول اکرم همچون دیگران دارای جسم و روح بوده است و با این دو عروج کرده است؛ خداوند نفرموده است: «بروحه»^۱. عبد، همان مجموعه جسم و روح است. همان طور که در بسیاری از آیات دیگر قرآن کریم، عبد اطلاق بر جسم و روح می‌شود؛ مانند: سوره مریم، آیه ۲؛ سوره فرقان، آیه ۱؛ سوره اسراء، آیه ۳ و سوره بقره، آیه ۲۳.^۲ ذکر این نکته حائز اهمیت است که معراج جسمانی تنها یک بار نبوده است. همان طور که از امام صادق علیه السلام نقل شده، معراج پیامبر ۱۲۰ مرتبه اتفاق افتاده است؛ لذا معلوم نیست کدام یک روحانی بوده است و کدام یک جسمانی.^۳

۲-۱-۳. رؤیای پیامبر درباره بنی امیه و آینده مسلمانان

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

رسول خدا در خواب بنی امیه را دید که بعد از رحلتش، از منبرش بالا می‌روند و مردم را (از راه راست) گمراه کرده، به عقب می‌برند. چون صبح شد، در حالی که حضرت اندوهگین و ناراحت بود، جبرئیل نازل شد و گفت: ای رسول خدا، چه شده که تو را ناراحت و غمگین می‌بینم؟ حضرت فرمود: دیشب

۱. آیه اول سوره اسراء می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»؛ «پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را پر برکت ساخته‌ایم برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست».

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۵۰.

۳. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۰۰-۶۰۱؛ شیمیل، محمد رسول خدا، ص ۲۷۸.

(در خواب) دیدم که بنی امیه بعد از من، از منبرم بالا می‌رفتند و مردم را (از راه راست) گمراه کرده، به عقب می‌بردند.

مشابه این روایت را زراره از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام نقل کرده است. البته در این خبر، افزون بر بنی امیه، از بنی تیم و بنی عدی نیز یاد شده است. همچنین مشابه این اخبار، روایاتی از پیامبر و همچنین از امیرالمؤمنین است که آن حضرت نیز از قول پیامبر نقل کرده است.^۱ سعید بن یسار، از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز روایت کرده است که پیامبر در رؤیا دیدند بوزیندگان بر منبرش بالا و پایین می‌روند و ایشان بعد از این خواب بسیار ناراحت بود^۲ و تعبیرش را از جبرئیل پرسید و جبرئیل به بحث حکومت بنی امیه و مدت زمان حکومتشان اشاره نمود.^۳ سهل بن سعد ساعدی (م ۸۸ یا ۹۱ق) از اصحاب رسول و یاران امام علی نیز در تأیید این رؤیا گفت به حدی رسول اکرم از این خواب ناراحت شد که دیگر لبخند بر لبانشان ننشست.^۴ گفته شده که پس از این رؤیا آیه ۶۰ سوره اسراء که از سوره‌های مکی است، نازل شد:

یاد کن هنگامی را که به تو گفتیم: به راستی پروردگارت بر مردم احاطه

۱. عن ابی عبدالله قال: «رای رسول الله فی منامه بنی امیه یصعدون علی منبره من بعده ویضلون الناس عن الصراط القهقری، فاصبح کثیباً حزیناً. قال: فهبط علیه جبرئیل فقال: یا رسول الله مالی اراک کثیباً حزیناً؟ قال: یا جبرئیل، انی رایت بنی امیه فی لیلتی هذه یصعدون منبری من بعدی، ویضلون الناس عن الصراط القهقری...». ابن هشام، السیرة النبویة، ص ۲۳۷ و ج ۲، ص ۳۴؛ سمعانی، تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۵۴؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۶۳.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۴، ص ۱۶۵.

۳. ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

۴. جرجانی، جلاء الأذهان، ج ۵، ص ۳۱۳.

دارد و آن رؤیایی را که به تو نمایانندیم و آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم و ما آنان را بیم می‌دهیم ولی جز بر طغیان بیشتر آن‌ها نمی‌افزایید.^۱

برخی درخت زقوم را که در قعر جهنم می‌روید، شجره ملعونه دانسته‌اند که به نظر می‌رسد این تفسیر نادرست باشد؛ چون در هیچ جای دیگر قرآن که نام زقوم آمده است، این درخت مورد لعن قرار نگرفته است. برخی نیز مصداق شجره ملعونه را یهود دانسته‌اند که اکثر مفسران آن را رد می‌کنند. درست است که یهودیان دشمنی‌های بسیاری با رسول خدا داشتند اما همیشه رویارویی یهودیان با مسلمانان آشکار بود و قرآن بارها به عهدشکنی و کارهای ناشایست یهودیان اشاره کرده بود و نیاز نبود که در قرآن با تمثیل به آن‌ها اشاره شود.^۲

ضمناً یکی از نکاتی که درباره این رؤیای رسول خدا گفته شده، ارتباط آن با نزول سوره قدر می‌باشد. از امام حسن نقل شده است که ایشان وقتی به خاطر صلح با معاویه مورد سرزنش برخی از یاران خود قرار گرفت به رؤیای رسول اکرم درباره به قدرت رسیدن بنی امیه اشاره نمود و فرمود این آیه سوره قدر که «شب قدر بهتر از هزار ماه می‌باشد» اشاره به دوران حکومت بنی امیه دارد. بررسی منابع نشان می‌دهد طول حکومت بنی امیه نیز هزار ماه بوده است.^۳

۱. «وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا».

۲. ناصری، «شجره ملعونه در قرآن»، ص ۱۲؛ جرجانی، جلاء الأذهان، ج ۵، ص ۳۱۳.

۳. طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۹۱؛ گنابادی، ترجمه تفسیر بیان السعادة فی مقامات

العبادة، ج ۱۴، ص ۳۸.

۲-۱-۴. رؤیای پیامبر درباره عمر بن خطاب

در برخی منابع اهل سنت به نقل از عبدالله فرزند خلیفه دوم، رؤیایی را از پیامبر نقل می‌کنند که در آن رؤیا پیامبر دید شیر یا نوشیدنی دیگری می‌آشامد و تا جایی نوشید که دید شیر در ناخن‌هایش سرازیر شد و سپس آن را به عمر داد؛ و پیامبر آن خواب را به دانش تعبیر نمود. این رؤیا را بسیاری از بزرگان اهل سنت ذکر نموده و آن را تأییدی بر دانش و نیز جایگاه خلیفه دوم گرفته‌اند.^۱ از چند منظر می‌توان بر این رؤیا نقد وارد نمود. به نظر علامه امینی، این رؤیا طبیعتاً باید بعد از مسلمان شدن عمر دیده شده باشد. اهل سنت معتقد به کامل شدن دانش رسول خدا با وجود عمر هستند در حالی که طبق رؤیا، رسول خدا خود ابتدا شیر نوشید سپس به عمر داد. از این رو علم رسول خدا همزمان با عمر دانسته نشده است بلکه علم عمر برگرفته از علم پیامبر دانسته شده است. از سوی دیگر می‌توان این نقد را وارد نمود که آیا سال‌هایی که عمر هنوز مسلمان نشده بود در دانش رسول خدا نقصانی وجود داشت؟ و اگر عمر دانشش را از رسول خدا گرفته و کامل بود^۲ چرا می‌گفت همه مردم از عمر آیین‌شناس‌ترند.^۳ نکته دیگر این که راوی این روایت، عبدالله پسر خلیفه دوم است که از راویان اصلی اهل سنت محسوب می‌شود. حتی اگر بپذیریم او در بیان این رؤیا کاملاً بی‌طرف بوده و از روی حس پدر - فرزندی چنین مطلبی را روایت نکرده باشد، ایراد دیگری مطرح می‌شود. عبدالله سال ۷۴ قمری در سن ۸۴ سالگی درگذشته است. اگر رسول اکرم این رؤیا را در مکه دیده باشد، طبیعتاً عبدالله آن زمان کودکی خردسال بوده است؛ زیرا او در زمان هجرت به مدینه ده سال داشته

۱. بخاری، صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۵۵؛ ترمذی، نوادر الاصول، ص ۱۱۹؛ بغوی، مصابیح، ج ۲،

ص ۲۷۰؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۲۹؛ اندلسی، بهجة النفوس، ج ۴، ص ۲۴۴.

۲. امینی، الغدیر فی الکتاب و السنّة و الأدب، ج ۸، ص ۱۳۸.

۳. بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۳۳.

است. مگر این که گفته شود او این رؤیا را از زبان کسانی دیگر شنیده است که باز چون آن راویان ذکر نشده‌اند تا معیاری برای بررسی داشته باشیم، سبب می‌شود چندان نتوان به این روایت عبدالله از رؤیای رسول اکرم درباره عمر اعتماد نمود.

۲-۱-۵. رؤیای مهاجرت

از جمله رؤیاهای پیامبر در مکه، به رؤیایی اشاره شده است که در آن پیامبر دید به سرزمینی دارای آب و درخت و نخل است، مهاجرت می‌کند. پیامبر زمانی این رؤیا را دید که مسلمانان و پیروان رسول اکرم در مکه در اوج اذیت و آزار مشرکان قرار داشتند. با شنیدن این خبر، اصحاب پیامبر بسیار خوشحال شدند چرا که امید پیدا کردند بتوانند از فشارهای مضاعف مشرکان نجات یابند.^۱ البته مسلمانان برای مهاجرت عجله داشتند که این آیه آمد: «بگو ای پیغمبر! من عواقب امور خود و شما را نمی‌دانم؛ مگر به وحی. و چون در این باب به من وحی نازل نشده، پس باید صبر نمود تا وحی نازل شود و به آن عمل کنید».^۲ و در نهایت مسلمانان به حبشه هجرت کردند.

۲-۲. رؤیاهای دوره مدنی

۲-۲-۱. رؤیاهای پیامبر قبل از غزوات و جنگ‌ها

در این نوع از رؤیاهای پیامبر، نتایج جنگ‌ها و وقایع و گاهی اوقات سرنوشت برخی از یاران و دشمنان، به حضرت رسول الهام شده است. این رؤیاهای همگی حاوی پیام‌های روشن بودند و حضرت رسول برای اعتبار بخشیدن به سخنانشان گاهی به این رؤیاهای اشاره می‌نمود اما عموماً در مرحله عمل، یاران خود را بر حسب رؤیا مجبور به انجام عملی نمی‌نمود؛ به بیان دیگر، رؤیا را معیار حجت بر دیگران نمی‌دانست.

۱. نیشابوری، اسباب النزول واحدی، ص ۲۱۰.

۲. کاشانی، تفسیر منهج الصادقین، ج ۸، ص ۳۱۱.

۲-۱-۱. رؤیای حضرت رسول ﷺ قبل از آغاز جنگ احد

یکی از مهم‌ترین علل شکست مسلمانان در جنگ احد، مقاومت و مخالفت تعدادی از یاران پیامبر، به ویژه جوانان بود که حاضر به ماندن در مدینه نبودند و خواستار جنگ در خارج از شهر بودند. شاید یکی از دلایل بی‌علاقگی پیامبر برای خروج از مدینه، وحیی بود که از طریق رؤیا به ایشان نازل شده بود و این رؤیا احتمال شکست را بیشتر می‌کرد. در شب قبل از جنگ احد، پیامبر ﷺ در رؤیا دید که در حصنی استوار ایستاده است و چنان است که شمشیر ذوالفقار از دسته شکسته است و گویی گاوی نر را سر می‌برند و پیامبر ﷺ قوچی را از پی خود می‌کشد. ایشان رؤیا را برای یاران خود باز گفت و خود چنین تأویل فرمود که:

حصن استوار، همان مدینه است و شکستن شمشیرم مصیبت و اندوهی است که به خودم خواهد رسید و گاو نری که کشته می‌شود همانا کشته شدن برخی از اصحاب من است و قوچی که از پی خود می‌کشیدم دلیل بر آن است که ان شاء الله خداوند متعال قهرمان سپاه دشمن را خواهد کشت.^۱

با این حال حضرت دوست نداشت نظر خود را بر یاران تحمیل کند.

۲-۱-۲. رؤیای رسول الله ﷺ در ورود به مکه

پیامبر ﷺ در سال ششم هجری رؤیایی دید با این مضمون که در مسجد الحرام است و با موهای باز در حال انجام مناسک حج می‌باشد. ایشان این خواب را برای یاران بیان کرد که همگی شاد شدند. اما هنگامی که مشرکان، راه ورود به مکه را در حدیبیه به روی آن‌ها بستند، جمعی که تصور می‌کردند تعبیر این خواب در همان سال واقع خواهد شد، گرفتار شک و تردید شدند که مگر رؤیای پیامبر هم ممکن است نادرست باشد؟ مگر بنا

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۷۵.

نبود به زیارت خانه خدا مشرف شویم؟ پس این وعده چه شد و آن خواب رحمانی کجا رفت؟! پیامبر ﷺ در پاسخ به این سؤال فرمود: «مگر من به شما گفتم این رؤیا همین امسال تحقق خواهد یافت؟». در همین رابطه در راه بازگشت به مدینه، آیه ۲۷ سوره فتح نازل شد و تأکید کرد که این رؤیا، صادقانه بوده است: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ»؛ و این مسأله حتمی و قطعی و انجام‌شدنی است: «لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ» یعنی سال آینده حتماً وارد مسجد الحرام خواهید شد؛ «إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ» البته اگر خدا بخواهد.^۱ درست در سال آینده، در همان ماه ذی القعدة، این پیش‌گویی به واقعیت پیوست و مسلمانان مراسم عمره را به همین صورت انجام دادند.^۲

از آن جایی که این رؤیای رسول اکرم با آیات قرآنی مورد تأیید قرار گرفت، در آن شک و شبهه‌ای وجود ندارد.

۲-۱-۳. رؤیای پیامبر ﷺ در محاصره طائف

در ماه شوال سال هشتم، پیامبر ﷺ شهر طائف را محاصره کرد. شبی پیامبر در رؤیا دید که قدحی کره به ایشان هدیه شده و آن قدح کاملاً پر و انباشته بود، خروسی آمد و به آن نوک زد و تمام آن بر زمین ریخت. وقتی پیامبر رؤیای خود را برای ابوبکر بن ابی‌قحافه (م ۱۳ق) شرح داد، ابوبکر گفت: «با این رؤیای شما گمان نمی‌کنم که در این جنگ به آن چه می‌خواهیم برسیم». پیامبر ﷺ فرمود: «خودم هم چنین گمانی ندارم». و

۱. بیستونی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۴، ص ۱۶۵ و ج ۲۳، ص ۱۷۳.

۲. طبری، جامع البیان، ج ۲، ص ۶۲۰؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۴، ص ۹۴؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۳، ص ۲۶۷؛ ابن سید الناس، ج ۲، ص ۱۵۴؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۱۹۴؛ وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص ۲۸؛ شیرازی، برای نخستین بار در تاریخ بشریت / جستارهایی از تاریخ پیامبر اکرم ﷺ، ص ۱۸۱؛ میبیدی، خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید به فارسی از کشف الاسرار، ص ۴۳۸.

این رؤیا پیوسته در خاطر حضرت بود. چون پانزده شب از مدت محاصره این شهر گذشت، پیامبر ﷺ صلاح مسلمانان را در برگشت دید و دستور بازگشت داد.^۱

۲-۲-۲. رؤیاهای پیامبر در مورد اشخاص

۱-۲-۲-۲. رؤیای حضرت رسول ﷺ در مورد شهادت جعفر بن ابی طالب

هنگامی که فرستاده پیامبر به نام حارث بن عمیر اُزدی (م ۸ق) به دست شرحبیل بن عمرو در روستای موته کشته شد، پیامبر ﷺ اندوهگین گشت و سپاهی به فرماندهی سه تن از صحابه که اولین آن‌ها جعفر بن ابی طالب بود، برای جنگ تدارک دید. سپاه سه هزار نفری مسلمانان در جمادی الاول سال هشتم در روستای موته در سرزمین بلقاء به مصاف رومیان به فرماندهی هرقل و عرب‌های شام به فرماندهی شرحبیل بن عمرو رفت که جعفر بن ابی طالب در این نبرد به شهادت رسید.^۲ در همان روز شهادت جعفر طیار، پیامبر ﷺ در رؤیا دید که جعفر به صورت فرشته‌ای در بهشت پرواز می‌کند و از نوک و پرهایش خون می‌چکد و دو دستانش قطع شده است. بعد از بیداری بلافاصله جبرئیل خبر شهادت او را به پیامبر داد.^۳ و یا آن که در رؤیا دید که خداوند به جعفر دو پر داده است تا در بهشت هر کجا که می‌خواهد با مرغان بهشتی پرواز کند. لذا او را جعفر طیار لقب دادند.^۴

۲-۲-۲-۲. رؤیای پیامبر ﷺ در خروج کذاب یمامه و یمن

پیامبر ﷺ در اواخر حیات خود، سپاه اسامه بن زید (م ۵۸ق) را برای اعزام به شام مهیا می‌کرد اما عده‌ای به سبب بیماری پیامبر و نیز خروج مسیلمه کذاب (م ۱۲ق) و اسود

۱. مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۲۸۳، ۳۶۷؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ۱۳۸۵؛ بلاذری،

جمل من انساب الأشراف، ج ۱، ص ۳۶۷.

۲. قاضی ابرقوه، سیرت رسول الله، ج ۲، ص ۸۵۵-۸۵۷.

۳. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۸۸؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۳۴.

۴. قاضی ابرقوه، سیرت رسول الله، ج ۲، ص ۸۵۵-۸۵۷.

عنسی (م ۱۱ق) و عده‌ای هم به بهانه کم‌سنی اسامه، خواهان ماندن در مدینه بودند. وقتی پیامبر از این کارشکنی‌ها آگاه شد به واسطه رؤیایی که شب گذشته دیده بود بیرون آمد و گفت:

به خواب دیدم که در بازوهای من دو طوق طلا بود و آن را خوش نداشتم و در آن دمیدم که پرواز کرد و تعبیر آن را به دو کذاب یمامه و یمین کردم که خداوند به زودی او را نابود خواهد کرد.

سپس سپاه را امر به اعزام نمود.^۱ اسود عنسی در همان دوره حیات رسول اکرم و چند روز قبل از وفات رسول، توسط ایرانیان مقیم یمین کشته شد و مسیلمه کذاب نیز توسط خالد بن ولید در دوران خلافت ابوبکر کشته شد.^۲

۲-۲-۳. رؤیای رسول اکرم در مورد ابوبکر

ابن سعد در کتاب طبقات به نقل از ابن شهاب می‌گوید:

پیامبر رؤیایی دید و آن را برای ابوبکر نقل کرد. مضمون رؤیا آن بود که پیامبر و ابوبکر از نردبانی بالا می‌روند و رسول اکرم دو پله و نیم از ابوبکر پیش افتادند. ابوبکر به پیامبر گفت تعبیر خواب این است که من پس از شما دو سال و نیم زنده‌ام.^۳

این رؤیا از منظر سلسله راویان نقص دارد و معلوم نیست ابن شهاب این رؤیا را از چه کسانی نقل کرده است. همچنین ابن سعد در روایتی از احمد بن عبدالله بن یونس از سری

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۲۸۲؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۱۵.

۲. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۱۳۵۵؛ واقدی، الطبقات الکبری، ص ۴۵۳.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۱۷.

بن یحیی از حسن نقل می‌کند که ابوبکر در رؤیایی دید کثافت‌ها و فضولات مردم را لگد می‌کند و پیامبر تعبیر کرد که عهده‌دار کار مردم خواهی شد. و ابوبکر گفت در سینه خود هم دو علامت دیدم، پیامبر فرمود امارت تو دو سال است. و ابوبکر گفت در خواب جامه سیاه بر تن خود دیدم، پیامبر فرمود آن نشان فرزندانی است که تو را خواهند آراست.^۱ نکته قابل تأمل در این روایت آن است که در سلسله راویان، احمد بن عبدالله (م ۲۷۷ق) است و درباره شخصیت سری بن یحیی موارد مجهول زیاد است و نهایتاً این روایت به حسن‌نامی ختم می‌شود که معلوم نیست کیست. پس این روایت دارای سند ضعیفی است.

۲-۲-۴. رؤیای حضرت رسول ﷺ در مورد رحلت خویش

در آخرین روزهای پیش از رحلت، پیامبر ﷺ به برخی اصحاب فرمود:

به خواب دیدم که کلیدهای دنیا را برای من آوردند و آن گاه مرا به بهترین جایگاه بردند و شما در دنیا مانند تا حلواهای سرخ و زرد و سپید بخورید که غسل و روغن و آرد سپید است، ولی شما از شهوت‌ها پیروی کردید. و مرا بین ماندن در دنیا و دیدار پروردگارم مخیر کردند و من ملاقات پروردگارم را برگزیدم.

به فاصله کوتاهی بعد از این رؤیا پیامبر ﷺ رحلت کرد.^۲

۲-۲-۵. رؤیای پیامبر در مورد دیدن انبیای الهی و امت خویش

از عبدالله بن مسعود (م ۳۲ق) صحابه رسول خدا که مورد احترام شیعه و سنی است نقل شده که رسول اکرم در رؤیایی پیامبران را با امت و پیروانشان دید؛ برخی از ایشان

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۱۷.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲.

فقط یک نفر طرفدار داشت اما حضرت موسی دارای پیروان زیادی بود. پیامبر امت خود را جویا می‌شود که صحرای مکه را در رؤیا دید که از مردم پر شده بود و خداوند به او فرمود ایشان امت تو هستند و در میان ایشان هفتاد هزار مرد است که بی حساب به بهشت می‌روند.

طبق بررسی‌های انجام شده، در منابع دست اول به این رؤیا اشاره‌ای نشده است و این رؤیا در منبع قرن نهم یعنی *جلاء الالذهان و جلاء الاحزان* آمده است.

۲-۲-۳. رؤیاهای پیامبر درباره حوادث آینده امت اسلامی

۱-۲-۲-۳. رؤیای پیامبر درباره شهادت امام حسین

از ام سلمه (م ۶۲ق) همسر رسول اکرم که مورد احترام شیعه و اهل سنت است روایت شده است که رسول خدا ﷺ روزی به خواب رفته بود، وقتی بیدار شد مشاهده کردیم آشفته به نظر می‌رسد و در دست مبارکش تربتی سرخ رنگ بود و آن را می‌گردانید. پرسیدم این تربت چیست؟ فرمود: جبرئیل مرا خبر داد که حسین ع در سرزمین عراق کشته می‌شود و این آن تربت است.^۱

۲-۲-۲-۳. رؤیای پیامبر درباره اسلام آوردن عجم

حذیفه می‌گوید:

رسول خدا فرمود: دیشب در عالم خواب دیدم گویا گوسفندانی سیاه به دنبال من می‌آیند، سپس گوسفندانی سفید به دنبال آن‌ها به پیروی از من درآمدند (و آن قدر زیاد شدند) که دیگر گوسفندان سیاه را نمی‌دیدم. یکی از حاضران به عنوان تعبیر خواب عرضه داشت: آن گوسفندان سیاه، عرب‌ها هستند و گوسفندان

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۳۷؛ شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۳۴؛ طبرسی، إعلام الوری

بأعلام الهدی، ص ۴۸.

سفید، مردم عجمند که پیروی از شما می‌نمایند و آن قدر زیاد می‌شوند که عرب‌ها در میان آن‌ها دیده نمی‌شوند (و به حساب نمی‌آیند). رسول خدا ﷺ فرمود: ملک (جبرئیل) هم، همین طور تعبیر نموده است.^۱

در پایان باید گفت برخی رؤیاهای رسول اکرم در منابع آمده است که یا از منظر سندی ضعیف است یا آن که اکثر مفسران آن را رد نموده‌اند که از بررسی و تحلیل آن‌ها در این مقاله چشم‌پوشی شده است؛ مثل این که زنان یهودی پیامبر را سحر کردند و رسول خدا در این زمینه رؤیایی دید یا رؤیای پیامبر درباره این که فرشتگان قرآن را در شام قرار دادند که راوی آن ابوقلابه عبدالله بن زید می‌باشد^۲ که مورد تأیید شیعیان و حتی برخی از بزرگان اهل سنت نیست.^۳

نتیجه

رؤیا از راه‌های ارتباط انسان با عالم غیرمادی و غیب می‌باشد. در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است که خواب و رؤیا سه گونه است؛ گاهی بشارتی از ناحیه خداوند است، گاه وسیله غم و اندوه از سوی شیطان و گاه مسایلی است که انسان در فکر خود می‌پروراند و آن را در خواب می‌بیند. روشن است که خواب‌های شیطانی چیزی نیست که تعبیر داشته باشد، اما خواب‌های رحمانی که جنبه بشارت دارد، می‌تواند از حادثه‌ای در آینده پرده بردارد. در این مقاله خواب و رؤیای صادقانه رسول خدا در دوره قبل و بعد از بعثت مورد بحث قرار گرفت. مجموع رؤیاهای صادقانه مورد بررسی، این حقیقت را آشکار ساخت که پیامبر

۱. ابوالفتوح رازی، *روض الجنان*، ج ۱۹، ص ۱۹۴.

۲. ابوقلابه عبدالله بن زید از دشمنان امام علی علیه السلام بود و مدام از ایشان بد می‌گفت. برخی از اهل سنت نیز او را جزو فقها و راویان حدیث نمی‌دانند.

۳. ابوالفتوح رازی، *روض الجنان*، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

به واسطه رؤیای صادقانه و ارتباط با عالم غیرمادی به درک مسایل و پیش‌بینی‌هایی نایل شد که با ابزار و دلایل مادی نمی‌توان به فهم آن نایل شد. حجم کثیر این رؤیاها که در منابع ذکر شده است، بیان‌گر اهمیت و جایگاه رؤیا در نزد اعراب و مسلمانان می‌باشد. این رؤیاها بیان‌گر مسایلی مانند سرنوشت جنگ‌ها، نوع ارتباط با مشرکان، شهادت اصحاب و آینده امت اسلامی بود که دغدغه رسول اکرم بودند. با بررسی متون مشخص گردید که متأسفانه انواع جعل‌ها، تحریف‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی بین اصحاب در نسبت دادن رؤیا به پیامبر وجود داشته است که سبب سوءاستفاده‌هایی از این موضوع شده است و برخی مصادیق آن در مقاله آورده شد.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرام، *الکامل فی‌التاریخ*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر (تاریخ ابن خلدون)*، تحقیق خلیل شحادة، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ق.
۴. ابن سعد، محمد بن منیع، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
۵. ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
۶. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ق.
۷. ابن منظور، جمال‌الدین ابوالفضل محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۸. ابن هشام، عبدالملک، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایباری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت: دار المعرفة، بی‌تا.
۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمد مهدی ناصح، محمدجعفر یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۱۰. امینی، عبدالحسین، *العذیر فی الکتاب و السنّة و الأدب*، اصفهان: موسسه نشر معارف و تحقیقات، ۱۴۱۶ق.
۱۱. بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل، *الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله ﷺ و سننه و ایامه (صحیح بخاری)*، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناص، بی‌جا: ۱۴۲۲ق.

۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، *جمل من انساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
۱۳. بیستونی، محمد، *ترجمه تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی، بی تا.
۱۴. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، *السنن الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، سوم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۱۵. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*، تحقیق عبدالمعطی قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۱۶. تیموریان، احمد، محمد رسول الله ﷺ، بی جا: ۱۳۸۹.
۱۷. جرجانی، حسین بن حسن، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)*، تصحیح و تعلیق جلال الدین محدث، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۱۸. دیراوی، عمر، *روح الاسلام*، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۶۱م.
۱۹. ری شهری، محمد، *حکمت نامه پیامبر اعظم ﷺ*، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۶.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، تصحیح مصطفی حسین احمد، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۱. سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
۲۲. سمعانی، ابوالمظفر منصور بن محمد، *تفسیر القرآن (تفسیر السمعانی)*، دار الوطن للنشر، ۱۴۱۸ق.
۲۳. شیخ صدوق، *خصال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۲۴. شیخ مفید، *الارشاد*، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۴.
۲۵. شیرازی، محمد، *برای نخستین بار در تاریخ بشریت / جستارهایی از تاریخ پیامبر اکرم ﷺ*، تهران: انصار الحسین، بی تا.
۲۶. شیمیل، آنه ماری، محمد رسول خدا ﷺ، ترجمه حسن لاهوتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰.

۲۸. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، *تفسیر التبیان*، نجف: مکتبه الامین، بی تا.
۳۱. قاضی ابرقوه، رفیع الدین اسحاق بن محمد، *سیرت رسول الله المشهور بسیرة النبی*، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۰.
۳۲. قرشی بناپی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامی، ۱۳۷۱.
۳۳. قمی، علی بن ابراهیم قمی، *تفسیر قمی*، تحقیق طیب موسوی جزایری، سوم، بیروت: دارالکتب للطباعة و النشر، ۱۴۰۴ق.
۳۴. کاشانی، فتح الله، *تفسیر منهج الصادقین*، تهران: کتابفروشی اسلامی، بی تا.
۳۵. کلینی، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم: اسوه، ۱۳۷۵.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵.
۳۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۸. مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، *إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع*، تحقیق محمد عبدالحمید النمسی، اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
۳۹. مبینی، احمد بن محمد، *خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید به فارسی از کشف الاسرار*، تهران: اقبال، ۱۳۵۲.
۴۰. ناصری، محمدسواد، «*شجره ملعونه در قرآن*»، دو فصلنامه دانش پژوهی تأمل، سال دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ش ۳.
۴۱. نبهانی، یوسف بن اسماعیل، *وسائل الوصول الی شمائل الرسول*، بیروت: لبنان، ۱۳۷۰.
۴۲. نیشابوری، ابوالحسن علی، *اسباب النزول واحدی*، ترجمه ذکاوتی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
۴۳. وات، مونتگمری، محمد پیامبر و سیاستمدار، تهران: ۱۳۴۴.